

امنیت مہکتروالکٹرونک جامعات

پروفیسر کاظم انصاری، زوہرہ مطالعہ فریبی
قنبر علی صمدی
پرنٹل جامع علوم انسانی

چکیده

بحث «امنیت» و بررسی نمونه الگوهای مطرح در آن و نیز نقش زیربنایی وبستر ساز مقوله امنیت در حیطه‌های زندگی اجتماعی از موضوعات مهم در عرصه حیات سیاسی - اجتماعی، است. این موضوع به قدری با اهمیت و کلیدی است که می‌توان گفت در فرهنگ سیاسی اسلام کمتر واژه‌ای می‌توان یافت که بدان همانند واژه امنیت عنایت کرده‌اند. این تأکید و اهتمام، به جهت تأثیرات گسترده و فراگیر مقوله امنیت، در همه عرصه‌های حیات انسانی اعم از سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی و غیره وجود دارد. اسلام امنیت را بستر تحولات و دگرگونی‌های مثبت اجتماعی می‌داند، به همین دلیل نگرش اسلام به مقوله امنیت، نگرشی استراتژیک و زیربنایی است.

بر این اساس، مقوله امنیت در سیاست‌گذاری کلان اسلامی، اصلی بنیادی و ثابت و دلزای جای‌گاه ویژه‌ای است. اسلام در جهت‌گیری بلند مدت امنیتی خود، با الگو قرار دادن امنیت مهدوی، راه امروز و چشم‌انداز آینده را ترسیم نموده است.

این نوشتار، ضمن پرداختن به مفهوم و اهمیت امنیت، آثار و پی‌آمدهای آن را در عرصه‌های مختلف زندگی اجتماعی تبیین می‌کند و به امنیت فراگیر مهدوی، به منزله الگو و خاستگاه اصلی امنیت در اندیشه سیاسی اسلام، توجه می‌نماید.

کلید واژه

امنیت، امنیت مهدوی، عدالت مهدوی، جامعه مهدوی

مفهوم امنیت

واژه «امنیت» مصدرجملی از ماده «امن» است که در لغت در مقابل «خوف»، به معنای اطمینان خاطر، احساس آرامش و عدم هراس و نگرانی به کار می‌رود. راغب می‌گوید:

اصل الأمن طمأنينة النفس وزوال الخوف.^۱

وی ضمن یکی خواندن معنای «امن» و «آمان»، تفاوت‌های کاربردی این کلمات را به متعلق آن مربوط می‌داند و می‌افزاید:

ويجعل الأمان تارة إسمًا للحالة التي يكون عليها الإنسان في الأمن و تارة إسمًا لما يؤمن عليه الإنسان.^۲

کاربرد امان و امنیت گاهی بیان‌گر حالتی است که برای انسان اطمینان‌بخش است و گاهی این تعبیر اسم است برای آنچه موجب امنیت‌بخشی انسان می‌شود.

براساس این تفسیر، واژه امن و امنیت دو بعد ایجابی و سلبی را شامل می‌شود که در مضمون و مفاد آن لحاظ شده است؛ از یک سو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و سکون می‌گردد، در معنای این واژه نهفته است.

تاج العروس نیز با اشاره به همین معنا، در توضیح معنای کلمه «امن» می‌نویسد:

عدم توقع مکروه فی الزمن الآتی و أصله طمأنينة النفس وزوال الخوف؛^۳

یعنی برکنار بودن از ناخوشی و اطمینان‌خاطر از هرگونه ترس و نگرانی در آینده.

بنابراین، مفهوم امنیت، در هردو بعد مادی و روحی روانی باید در نظر آید. با این نگاه، «امنیت» به معنای دوری و برکناری از هرگونه مخاطرات تهدید کننده آرامش ذهنی و

آسایش فیزیکی و مادی در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود.

نیز کلمه «امن» و مشتقات آن، در فرهنگ قرآن از پرکاربردترین کلماتی به شمار می‌رود که در آیات متعدد مشاهده می‌شود. واژه «الأمن» و کلمات و عبارات مشتق از ریشه «امن»، حدود نه‌صدبار در آیات مختلف قرآن کریم به کار رفته است.^۴ افزون بر این، کلمات و اصطلاحات دیگری در برخی از آیات به کار رفته که دارای مفهوم مشابه با مفهوم واژه امنیت است، مانند: «سکینه» و «سلام».

گسترده‌گی کاربرد واژه «امن» و اصطلاحات مرتبط با آن، در موارد متعددی از آیات قرآن کریم، ضمن این که نشان‌دهنده ارتباط و پیوند عمیق مفهوم امنیت با مفاهیمی چون اسلام، ایمان، مؤمن و... است، بیان‌گر اهمیت فراوان این موضوع در فرهنگ قرآنی است.

واژه امن و امنیت دو بعد ایجابی و سلبی را شامل می‌شود که در مضمون و مفاد آن سو، اطمینان و آرامش فکری و روحی و از سوی دیگر فقدان خوف، دلهره و نگرانی که موجب سلب آرامش و سکون می‌گردد

ضرورت امنیت

نعمت امنیت، در میان نعمت‌های الهی، چنان مهم و حیاتی است که خداوند عالم، در برخی از آیات، خود را امنیت‌بخش مردم، معرفی و توصیف نموده و آن را موجب امتنان بر آدمیان ذکر کرده و می‌فرماید:

﴿فَلْيُبْذِرُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾^۸

شایسته است خدایی را فرمان برید که پروردگار این خانه (کعبه) است؛ خدایی که به مردمان نعمت روزی و امنیت عطا نموده است.

برخی از آیات دیگر نیز مهم‌ترین ویژگی خانه کعبه را خصوصیت امنیت برشمرده‌اند که برای آن مکان مقدس مقرر شده است:

﴿أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا مَبْنًى﴾^۹

آیا ندیده‌اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم.

از این رو، این ویژگی محسوس سبب شده که خانه کعبه را «البلد الامین»^۷ عنوان دهند.

هم چنین آیات قرآن جامعه‌ای را که برخوردار از نعمت امنیت باشد، جامعه‌الگو و نمونه عنوان کرده‌اند:

﴿وَصَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾^{۱۰}

خداوند، قریه و شهری را که امن، آرام و مطمئن بوده و همواره روزی‌اش به فراوانی از هر مکانی فرا می‌رسد، مثال، الگو و نمونه یاد نموده است.

روشن است که این ضرب‌المثل و بیان سمبلیک قرآن، تنها بازخوانی تاریخ و یا داستان‌سرایی نیست، بلکه هدف از این نوع بیانات، آموزش و انگیزش انسان‌ها برای نیل به جامعه‌ای امن است که البته نماد کامل این آرمان‌خواهی، در آیات مهدویت، به زیبایی ترسیم شده است.

نعمت امنیت، چنان بساروح و روان آدمی، انس و قرابت دیرینه و جاودانه دارد که حتی در قیامت نیز هنگامی که به بهشتیان اذن ورود داده می‌شود و می‌فرمایند: ﴿ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ آمِنِينَ﴾^{۱۱} نوید

دل انگیز و فرح بخش سلامت و امنیت، دل‌نشین‌ترین بشارتی است که ذائقه بهشتیان را شیرین و روح آنان را برای همیشه مسرور و شادمان می‌نماید. به همین جهت، برخی از آیات قرآن^{۱۰} و ادعیه و زیارات، بهشت را با این که هر نوع نعمتی در آن است، «دارالسلام»^{۱۱} یعنی خانه امن یاد کرده‌اند.

در مواردی دیگر نیز هر جا که قرآن انسان‌های صالح را به پاداش اخروی بشارت می‌دهد، موضوع امنیت را بهترین چشم‌روشنی آنان برمی‌شمرد:

﴿لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ﴾

نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می‌شوید.

و یا در مقام مقایسه اهل ایمان و کفر، بهترین پاداش اهل ایمان را نعمت امنیت ذکر می‌کند:

﴿فَأَيُّ الْقَرِيقَيْنِ أَحَقُّ بِالْأَمْنِ﴾^{۱۲}

آیه به صورت طرح سؤال مطرح شده، اما این بیان، حاکی از اهمیت این نعمت انحصاری است که به اهل ایمان و عمل صالح تعلق دارد؛ همان که دعاها آن را مهم‌ترین خواسته انسان از خداوند یاد می‌کنند و امیرمؤمنان علیه السلام در مناجات «اللهم انی أسئلك الأمان یوم...»^{۱۳} با تضرع و اصرار، برای امان در روز قیامت از خداوند مسئلت می‌نماید.

روایات و احادیث نیز بر لزوم امنیت و ارتباط آن با حجت عصر، تأکید می‌کنند. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، اهل بیت خود را مایه امنیت و بقای جهان معرفی نموده است:

اهل بیتی امان لأهل الأرض.^{۱۴}

چه این که امام زمان علیه السلام در توقیعی، خود را لنگرگاه ثبات و امنیت اهل زمین معرفی نموده است:

واتی لأمان لأهل الارض كما أن النجوم امان لأهل السماء؛^{۱۵}

تحقیقاً من (امام زمان) مایه آرامش و امنیت ساکنان زمینم، همان‌گونه که ستارگان آسمان موجب امنیت اهل آسمانند.

بنابر این روایات، حضور امام عصر علیه السلام، چه به صورت پنهانی و در حالت غیبت و چه به صورت ظاهری و علنی در زمان ظهور،

مایه بارش فیوضات الهی به سوی مردم و مایه امنیت و آرامش آدمیان و ساکنان زمین است.

امام صادق علیه السلام امنیت را از ضرورت‌های زندگی و ارکان اساسی حیات بشر یاد می‌کند که کسی از آن بی‌نیاز نیست:

ثلاثة اشياء يحتاج الناس طرّاً إليها: الأمن، والعدل والخصب؛^{۱۶}
سه چیز است که همه مردم بدان محتاج‌ند: اولین آن امنیت، سپس عدالت و رفاه است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز در این باره می‌فرماید:

الأمنُ والعافيةُ نعمتان مغبونٌ فيها كثيرٌ من الناس؛^{۱۷}
امنیت و سلامت دو نعمتی است که بسیاری از مردم در قدرشناسی از آن مغبونند.

یعنی آن‌چنان که شایسته است مردم بدان‌ها توجه نکرده‌اند تا به طور بهینه از آن استفاده نمایند. هم‌چنین پیامبر صلی الله علیه و آله، این دو نعمت را به دلیل توجه ناکافی نوع مردم به اهمیت و قدرشناسی از آن‌ها نعمت‌های فراموش شده یاد نموده است:

نعمتان مجهولتان: الأمن والعافية؛^{۱۸}
دو نعمت گو این‌که از نظرها ناپدید است: یکی نعمت امنیت و دوم نعمت سلامتی و عافیت.

جالب توجه این‌که امام صادق علیه السلام در مقام معرفی مهم‌ترین نیازهای جامعه انسانی، نیاز انسان به امنیت را حتی از نیاز انسان به عدالت و رفاه و فراوانی مقدم ذکر نموده است؛ چه این‌که در سخنان رسول اکرم صلی الله علیه و آله که در مقام بیان مهم‌ترین نعمت‌های الهی بر بندگان است، نعمت امنیت، بر نعمت مهم سلامتی نیز مقدم ذکر شده است. این تقدم به دلیل نقش زیربنایی و بسترساز عنصر امنیت نسبت به دیگر نعمت‌ها در زندگی انسان است؛ زیرا امنیت هم زمینه و هم نگاه‌دار دیگر نعمت‌ها و امکانات است، به گونه‌ای لذت زندگی و نیز قوام رفاه و آسایش، بر محور امنیت استوار است، چنان‌که امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید:

رفاهية العيش في الأمن؛^{۱۹}
آسایش و شیرینی مواهب دنیا تنها در پرتو امنیت، لذت‌بخش و گواراست.

در جای دیگر می‌فرماید:

لانعمة أهنأ من الأمن؛^{۲۰}
هیچ نعمتی گواراتر از امنیت وجود ندارد.

براساس این سخن حضرت، در میان نعمت‌های الهی، نعمت امنیت هم گواراترین و

تحقیقاً من (امام
زمان) مایه آرامش و
امنیت ساکنان زمینم.
همان‌گونه که ستارگان
آسمان موجب امنیت
اهل آسمانند.

هم شیرینی بخش است. این ویژگی به دلیل نقش تأثیرگذار امنیت در دیگر شئون و احتیاجات انسان و اهمیت کلیدی عنصر امنیت در نظام زندگی است.

از این رو، می‌توان نعمت امنیت را مادر نعمت‌ها دانست؛ به دلیل این که زمینه‌ساز و قوام‌بخش دیگر نعمت‌هاست و هم می‌توان آن را حافظ و صیانت‌بخش دیگر نعمت‌ها دانست.

شاخص امنیت، حتی در فقه نیز تأثیرگذار است. تکالیف فقهی نظیر وجوب حج، امر به معروف و نهی از منکر و... دایرمدار وجود امنیت و عدم خوف و خطر (شرایط تقیه) است. امنیت در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز شاخص به شمار می‌رود و در اسلام بدان توجه فراوان می‌شود. حتی امیرمؤمنان علیه السلام در مسئله مهمی چون امامت و رهبری امت اسلام بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، وقتی احساس می‌کند که عدم امنیت، کیان اسلام را تهدید می‌کند، بنا به ضرورت‌های ناشی از حفظ امنیت و لزوم پرهیز از ایجاد اختلاف و نزاع داخلی، از حق مسلم خود دست برمی‌دارد و با خون دل سال‌های پیاپی غصب خلافت و انحراف امت، به گونه ظاهری حکومت اسلامی را تحمل می‌کند تا اساس اسلام و بقای حکومت نوپای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را حفظ نماید.

آثار امنیت

امنیت، آثار بی‌شمار و گسترده‌ای دارد که چتر وسیع آن، سراسر زندگی انسان را در بر می‌گیرد. این آثار چه از بعد فردی و چه از بعد اجتماعی، اهمیت فراوان دارند.

آثار فردی امنیت، شامل سه رکن اساسی حیات فردی انسان یعنی امنیت جانی، مالی و حیثیتی می‌شود. اثر مستقیم امنیت برای تک‌تک افراد جامعه حفظ و حراست از جان و مال و عرض و آبروی اوست. اگر هر کدام از این عناصر سه‌گانه، دچار ناامنی گردد، این امر به اضمحلال نظام مطلوب زندگی انسان خواهد انجامید.

آثار اجتماعی امنیت، یعنی بازدهی نتایج امنیت در عرصه‌های مختلف اجتماعی، جلوه‌های بیشتری دارد که روابط و تعاملات اجتماعی در پرتو آن، سامان می‌یابد. دل‌های مردم در سایه امنیت به هم‌دیگر انس و الفت می‌گیرد، هم‌گرایی و هم‌زیستی جانشین نفرت و دشمنی می‌شود، حق و عدل آشکار و حدود الهی جاری

می‌گردد، مردم در محیط امن از نگرانی‌ها رنج نمی‌برند و حقوق و مطالبات صاحبان حق به دلیل ترس از افراد و اشخاص ضایع نمی‌گردد، در جامعه امن، به دلیل آن که حکومت مردم را تأمین می‌کند و میان افراد جامعه تعامل مثبت و فعال وجود دارد، کم‌بودها و زیان‌های طبیعی و غیرطبیعی، تحمل‌پذیر و جبران‌پذیر است.

قشرهای مختلف جامعه، در فضای امنیت، در پرتو امنیت، هر کدام به گونه‌ای از مواهب زندگی برخوردارند. چیزی مانع پیشرفت و ترقی مردم نیست، مردم مالک کار و تلاش و دست رنج خویشند و هر کس ثمره تلاش‌ها و زحماتش را بی‌کم و کاست به دست می‌آورد، بی‌این که مورد استثمار و بهره‌کشی دیگران قرار گیرد. همه اینها آثار و برکاتی است که از ره‌گذر امنیت نصیب افراد جامعه می‌شود.

مهم‌ترین اثر ایجاد امنیت، این است که امنیت زمینه‌ساز حرکت عظیم اجتماعی و فراهم‌کننده فضای لازم برای دیگر کارکردهای مثبت فردی و اجتماعی و پیشرفت‌های معنوی و مادی مردم است. بدون امنیت، عدالت نیز در جامعه عینیت و قوام نمی‌یابد. از این جهت، شیرین‌ترین نتیجه ایجاد امنیت، تحقق عدالت در سطوح مختلف جامعه است که نیاز مهم انسان در هر زمان است؛ زیرا تحقق عدالت و تعقیب اهداف‌طلبانه هر چند به صورت نسبی نیز تنها در پرتو امنیت عملی است و در شرایط و فضای ناامن، هیچ حرکت سازنده‌ای امکان بروز پیدا نخواهند کرد.

دو مقوله امنیت و عدالت در اندیشه سیاسی اسلام، تعامل و پیوند شدیدی با هم دارند. این دو بایسته مهم اجتماعی، چنان با هم آمیخته و عجین هستند که نمی‌توان یکی را بی دیگری معنا کرد و یا از یکی جدای دیگری سخن گفت. این جوشش و پیوند ناگسستنی میان عدالت و امنیت، موجب شده که اسلام موضوع عدالت و امنیت را به منزله دو اصل راه‌بردی برشمرد؛ دو اصل هم‌آهنگی و هم‌سو که یکی زیربنا و دیگری روبنای این روی کرد بنیادی است.

نگاه اسلام در سیاست‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز آینده به موضوع امنیت، استراتژیک و زیربنایی است. به همین جهت، موضوع امنیت را بستر تحقق حکومت عدل و اجرای اهداف کلی نبوت و امامت می‌داند و مؤمنان صالح را بدان بشارت می‌دهد. مسئله امنیت در اندیشه سیاسی اسلام تاکتیک و مقطعی نیست،

بلکه هدفی راهبردی، دامنه‌دار و دوردست است که پیدایی همه خیرات و برکات در جامعه به گونه‌ای مرتبط و وابسته به آن است؛ هدفی مهم که نه تنها به منزله ضرورت و نیاز اجتناب‌ناپذیر اجتماعی، بستر ساز همه تغییرات و تحولات است، بلکه حتی هدف و فلسفه خلقت یعنی عبودیت و بندگی و شکل‌گیری جامعه توحیدی نیز بدون تعمیم و گسترش آن در جامعه، ممکن و میسر نخواهد شد.

برقراری امنیت در جامعه، در اندیشه سیاسی اسلام، مهم‌ترین و ضروری‌ترین اولویت به شمار می‌رود که موجبات اصلاح و تعالی جامعه را فراهم می‌آورد. ایجاد و حفظ امنیت چنان اهمیت دارد که حتی در تزامن و تعارض، عنصر «امنیت» با دیگر نیازها و مهم‌ترین بایسته‌های اجتماعی دیگر، حتی اجرای «عدالت»، حفظ امنیت به دلیل حساسیت و اهمیت زیر بنایی‌اش تقدم خواهد داشت.

به همین جهت، امام علی علیه السلام با توجه به این‌که ناامنی و اختلاف داخلی، حکومت نوپای اسلام را تهدید می‌کرد، به مدت ۲۵ سال از حق مسلم خود در مسئله امامت و خلافت، دست کشید و به ناچار با خونابه دل، انواع ظلم و بی‌عدالتی را تحمل نمود تا مبدا امت اسلام دچار بی‌ثباتی و هرج و مرج گردد و زحمات و دست‌آوردهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بر اثر اختلافات و جنگ داخلی، به مخاطره بیافتد.

عرصه‌های امنیت

امنیت، بخش‌های گوناگون زندگی اجتماعی اعم از بخش‌های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و... را دربرمی‌گیرد و شرط لازم برای فعالیت‌های مفید و رشد و تکامل فرد و جامعه است.

عرصه‌های امنیت در فرهنگ دینی و اسلامی، چنان گسترده و وسیع است که همه قلمروهای فردی و اجتماعی و زمینه‌های داخلی و خارجی، فکری و روحی، اخلاقی و اعتقادی، دنیایی و آخرتی را در بر می‌گیرد و با شاخص‌های ایجابی و سلبی، از هر دو زاویه تعریف‌شدنی و دسترس‌پذیر است. البته این امر نسبی و نه مطلق، تابع وضع و امکانات و توانایی‌های هر فرد و جامعه است و نباید آن را تنها به امکانات و تجهیزات نظامی، با مقیاس‌های مادی و فیزیکی یا مقولات اقتصادی و مانند آن تعریف کرد، بلکه مفهومی عمیق‌تر، ظریف‌تر و فراگیرتر از موضوعات یاد شده دارد و به ابعاد روحی، فکری، فرهنگی، اخلاقی، معنوی و اعتقادی و ارزش‌های الهی نیز وابستگی کامل دارد. بستر سازی حیات معنوی طیبه و حسنه برای تربیت و تهذیب افراد، چه در حوزه رفتارهای فردی و چه در عرصه‌های اجتماعی و نیز دوری آنها از حیات سیئه و غیر ایمانی، اصلی‌ترین سازوکار تأمین امنیت است.^{۲۱}

با ایجاد امنیت، منافع و حقوق همه تأمین می‌شود، تضاد و درگیری به کمترین می‌رسد و در صورت بروز تضاد و درگیری، هر کس در محدوده حقوق خویش محدود می‌گردد و قانون مانع تجاوز و دست‌درازی او می‌شود. در جامعه امن، قانون حاکم است

نگاه اسلام در سیاست‌گذاری و ترسیم چشم‌انداز آینده به موضوع امنیت، استراتژیک و زیربنایی است. به همین جهت، موضوع امنیت را بستر تحقق حکومت عدل و اجرای اهداف کلی نبوت و امامت می‌داند

و روابط اجتماعی بر اصل ضوابط استوار است و حق و تکلیف معیار رابطه‌هاست. حتی مجریان قانون از قانون بیم دارند. در جامعه امن، بیم، هراس، دلهره و نگرانی در مردمان نیست. کسی از کسی بی دلیل نمی‌هراسد و هر کس در هر مقام اجتماعی نمی‌تواند به شخصی دیگر در هر پست و منزلت پایین اجتماعی زور بگوید و مانع راه و کار او گردد. در جامعه امن، سرمایه‌داران و با نفوذان بر جامعه تسلط ندارند و توانایان، ناتوانان را نمی‌بلعند و سرنوشت فرودستان، در دست فرادستان و سرمایه‌داران نیست. در جامعه امن، طبقه حاکم از مردم فاصله ندارند و توده‌های مردم هر گاه لازم باشد، به دولت‌مردان دست‌رس دارند و نگاهبانان مانع آنها نیستند. این دو موضوع با یکدیگر پیوندی ناگسستنی دارد. اگر حکومت‌ها، درهای دارالحکومه را به روی مردم بستند و دربان و حاجب گماردند و هر کس نتوانست به دادرسی نزد آنان رود و عرض حال کند، طبیعی است که توان‌مندان بر توده‌های مردم تسلط می‌یابند و ناتوانان را می‌بلعند. در جامعه امن، مردم در زندگی، از همه جهات تأمین دارند و حوادث، پیش‌آمدها، ضربه‌ها، زیان‌ها، کم‌بودهای طبیعی و انسانی و... موجب نگرانی افراد نیست؛ زیرا که مردم تأمین کافی می‌شوند و دولت‌ها مردم را تأمین می‌کنند و ضرر و زیان‌ها و خسارت‌ها جبران می‌گردد. در چنین اجتماعی، با این سطح بالای تأمین و امنیت، مردمان می‌توانند با آرامش خاطر و آسایش کامل زندگی کنند و از هیچ چیز نگران نباشند و این مهم‌ترین ویژگی امنیت اجتماعی است؛ ویژگی‌ای که عدالت اجتماعی در پرتو آن پدید می‌آید.^{۲۲}

البته روشن است که ایجاد امنیت اجتماعی در همه ابعادش، در دوران پیش از ظهور، بسی دشوار و بلکه غیر ممکن است. امنیت کامل در همه عرصه‌ها با ابعاد ایده‌آل و آرمانی آن، تنها در پرتو امنیت فراگیر مهدوی، در عصر ظهور به جامعه بشری هدیه خواهند شد.

پی‌آمدهای ناامنی در جامعه

مقوله امنیت به دلیل درهم تنیدگی آن با دیگر شئون زندگی فردی و اجتماعی، چنان حساس و مهم است که هرگونه آسیب در آن، موجب آسیب در همه ساختار زندگی فردی و اجتماعی (جان و مال و حیثیت و آبرو) می‌گردد و پی‌آمدهای سوء فراوانی را در

عرصه‌های مختلف زندگی در پی می‌آورد.

به همین جهت، همواره رهبران الهی به اهمیت امنیت و توجه دادن به آثار و پی‌آمدهای منفی عدم امنیت، توجه داشته‌اند. جلوه‌ها و مظاهر عدم امنیت و پی‌آمدهای تباہ کننده آن، در روایاتی که ناامنی‌های پیش از ظهور را بیان نموده، به روشنی پیداست.

در بسیاری از روایات منقول از پیامبر ﷺ و معصومان علیهم‌السلام، بروز ناامنی‌ها در عصر غیبت و آخرزمان پیش‌گویی شده که پی‌آمدهای مستقیم آن، بروز جنگ‌ها، هرج و مرج‌ها، بی‌عدالتی‌ها و فتنه‌های فراوان دیگری است که تبعات ویران‌گر آن، پیوندهای زندگی و نظام اجتماعی را از هم می‌پاشد.

مظاهر ناامنی، با اشکال مختلف در زوایای زندگی روزگار عصر غیبت و آخرالزمان، بروز و ظهور دارد که پایه‌های روابط و پیوندهای اجتماعی و ارتباطات سالم خانوادگی را درهم می‌شکند. براساس مفاد روایات، در این وضعیت، صاحبان ثروت و قدرت به زیر دستان رحم نمی‌کنند، هم‌سایه در حق هم‌سایه جفا روا می‌دارد، زن و مرد حقوق هم‌دیگر را رعایت نمی‌کنند، فرزندان با گستاخی و نافرمانی حرمت والدین را نگه نمی‌دارند، پدران و مادران مسئولیت‌های تربیت فرزندان را از یاد می‌برند، رشته‌های محبت و دوستی در میان مردم قطع می‌گردد و عشق و علاقه‌های کاذب جانشین محبت‌های واقعی می‌گردد. آن هنگام ارزش‌ها و کمالات انسانی، معیار سنجش شخصیت افراد نیست، بلکه تقوا، دیانت و صلاحیت دایرمدار ارزش‌های ظاهری و مادی می‌شود. یگانگی و هم‌دلی‌های ظاهری با نفرت درونی و کینه‌های پنهانی همراه است و دوستی‌ها و پیوندها، صوری و مقطعی می‌نماید.

امیرمؤمنان علیؑ می‌فرماید:

تواخی الناس علی الفجور و تهاجروا علی الدین و تحابوا علی الکذب... و استعملت المودة باللسان و تشاجر الناس بالقلوب؛^{۲۳}

مردمان با انگیزه گناه‌کاری برادر می‌شوند و در راه دین از یک‌دیگر جدا می‌گردند، دوستی‌ها دروغین است و محبت‌ها زبانی و صوری است، اما اختلاف‌ها و ناسازگاری‌ها باطنی و درونی است.

نتیجه حاکمیت معیارهای ظالمان و استثمار در روابط اجتماعی،

پدید آمدن فضای درنده خوبی در جامعه خواهد بود. فضایی که چاره‌ای در آن نیست، جز این که یا خود باید درنده بود و یا به ناچار طعمه درندگان بی‌رحم دیگر قرار گرفت! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی، بی‌آمدهای وحشت‌ناک و مخاطرات نامنی در جامعه آخر زمان را چنین ترسیم می‌کند:

... فإن كان في ذلك الزمان ذنباً و إلا أكلته الذئاب؛^{۲۴}

اگر مردمان در این زمانه گرگ صفت شدند، می‌توانند در جامعه گرگان زندگی کنند و گرنه گرگ‌های دیگر آنها را خواهند بلعید!

در چنین جامعه نامنی، اوج این رابطه ظالمانه و استثماراری را در طبقه حکام و فرمان‌روایان می‌توان دید که دست رنج بی‌نویان و بی‌چارگان را از چنگ آنان می‌ربایند. امام علی علیه السلام می‌فرماید:

و كان أهل ذلك الزمان ذناباً، و سلاطينه سباعاً، و أوساطه أكالاً، و فقراؤه أمواتاً.^{۲۵}
مردمان آن زمان گرگند، و حاکمانشان درندگان تیز دندانی‌اند که طبقات متوسط جامعه را می‌بلعند. در نتیجه، طبقه بی‌نویان در زمره مردگان خواهند بود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از حرص و تکالب مردم به دنیا که سرمایه و پول برای آنان در حد پرستش ارزش‌مند می‌گردد، با تعجب این‌گونه یاد می‌کند:

فواعجبا لقوم آفتهم أموالهم؛^{۲۶}

شگفتا از مردم دنیا پرستی که خداوندگارشان اموال و ثروتشان است.

هم‌چنین امام صادق علیه السلام عیاشی‌گری و بی‌مبالاتی مردمان آخرزمان را چنین توصیف می‌کند:

و رأيت الناس همهم بطونهم و فروجهم، لا يباليون بما أكلوا و بما نكحوا و رأيت الدنيا مقبلة عليهم؛^{۲۷}

تمام همت مردم صرف شکم و مسائل جنسی می‌گردد و در شکم بارگی و شهوت‌رانی بسیار بی‌پروایی می‌کنند و دنیا به طور بی‌سابقه‌ای به آنان روی می‌آورد.

افزایش سرمایه و مستی ثروت‌اندوزی و روی‌کرد افراطی مردمان عصر غیبت و آخرزمان به دنیا، چنان در زندگی آنان پر رنگ می‌شود که آنان را از خود بیگانه می‌سازد و در گرداب انواع فساد و عیاشی و کامرانی فرو می‌برد. امام عسکری علیه السلام درباره روابط استثمارگری آن دوران می‌فرماید:

اغنيانهم يسرقون زاد الفقراء؛^{۲۸}

طیغ اغنیا و پول‌داران، دست‌رنج و زاد و توشه قشر فقیر و تهی دست را می‌زدند!

نتیجه حاکمیت معیارهای ظالمان و استثمار در روابط اجتماعی، پدید آمدن فضای درنده خوبی در جامعه خواهد بود. فضایی که چاره‌ای در آن نیست، جز این که یا خود باید درنده بود و یا به ناچار طعمه درندگان بی‌رحم دیگر قرار گرفت!

بی‌تردید، مراد از دزدیدن در این روایت، دزدی و سرقت‌های معمولی نیست، بلکه منظور از این دزدی، دزدی با شیوه‌های تعاملی از طریق روابط استثماری و ظالمانه است که حقوق طبقه محروم در آن نادیده گرفته می‌شود. با آزادی فراوانی که سرمایه‌داران دارند، شیوه‌هایی اعمال می‌شود که حقوق افراد کارگر و شاغل رعایت نشود، بلکه رشد ثروت و سود ثروت‌اندوزان در نظر آید. طبیعی است که امکانات زندگی برای قشر محروم در چنین وضعی به سرقت می‌رود و در اندک زمانی، عده‌ای انگشت‌شمار ثروت‌هایی کلان را کسب و جمعی زیاد را فقیر و تهی دست می‌کنند.

جامعه انسانی در چنین فضای ناامنی، به جنگلی از حیوانات تبدیل می‌شود و مردمان گرگانی می‌گردند که به جان هم افتاده‌اند. حکومت‌ها هم چون درندگان به جان ملتها می‌افتند و از خون و پوست و گوشت و استخوانشان تغذیه می‌کنند. طبقات متوسط جامعه در این روابط غیرانسانی، طعمه طبقه حاکم و سرمایه‌دار می‌شود و زندگی‌شان به اسارت سلطه‌طلبان و توان‌گران می‌رود و خود به نفع طبقات بالای جامعه کار می‌کنند. بی‌نویان در این جوامع در حکم مردگانند؛ نه برای آنان رمقی مانده است و نه قدرت عرض وجود و طلب حق خویش دارند. در صورتی که طبقات متوسط لقمه زیر دندان ثروت‌مندان باشند، وضع بی‌نویان نیز روشن است.^{۳۱}

تأسف‌بار و هشداردهنده این که در این وضعیت پرآشوب، سهم جامعه شیعی در شعله‌ور نمودن آتش فتنه و ناامنی، کمتر از دیگران نیست! امیرمؤمنان علیه السلام با تأسف از این وضعیت چنین یاد می‌کند:

و اسفا من فعلات شیعتنا، من بعد قرب مودتها الیوم، کیف یستدل بعدی بعضها بعضاً و کیف یقتل بعضاً... کل حزب منهم أخذ منه بغصن، اینها مال الغصن مال معه؛^{۳۲}

افسوس از رفتار شیعیان ما که امروز این‌گونه با هم دوست و نزدیکند؛ چگونه پس از من بعضشان بعضی دیگر را خوار می‌سازند و گروهی دیگر را می‌کشند، هر دسته و جماعتی به حزبی می‌پیوندند و به هر سمتی که آن حزب تمایل داشت، می‌غلطند.

این وضعیت کشنده و ناامن، از ویژگی‌های عصر غیبت و آخر زمان است که فقط با ظهور مصلح جهانی حضرت مهدی علیه السلام

تغییر خواهد کرد. امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

لا یقوم القائم علیه السلام إلا علی خوف شدید و فتنه و بلاء یصیب الناس... و اختلاف شدید بین الناس و تشتت فی دینهم و تغیر فی حاکم حتی یتمنی الممتنی الموت صباحاً و مساءً من عظم ما یری من کلب الناس و اکل بعضهم بعضاً.^{۳۳}

قائم علیه السلام قیام نکند مگر در زمانی که ترس‌های بزرگ پدید آید و مردم با فتنه‌ها و گرفتاری‌های عظیم دچار گردند... و اختلاف‌های شدید میان مردمان رخ دهد و در دینشان تفرقه افتد، مردمان هر سپیده و شام آرزوی مرگ کنند تا از رنج و آزار و دریدن زورمندان و ظالمان نجات یابند!

امیرمؤمنان علیه السلام تبدیل ناامنی فراگیر به امنیت فراگیر و ایجاد تغییرات بنیادین در روابط اجتماعی را فقط در پرتو اصلاحات مهدوی دوران ظهور حضرت قائم علیه السلام ممکن می‌داند و می‌فرماید:

ولو قد قام قائمنا لذهبت الشحنا من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم حتی تمشی المرءة بین العراق الی الشام... علی رأسها زیتنها لا یهبها سبع ولا تخافه؛^{۳۴}

و چون قائم ما قیام کند، کینه‌ها از دل‌ها بیرون رود، حیوانات نیز با هم سازگاری کنند، امنیت چنان فراگیر شود که حتی زنی که زیورآلات خود را به همراه دارد، از عراق تا شام سفر کند، در حالی که از هیچ خطری دغدغه و نگرانی نداشته باشد.

امنیت مهدوی الگوی امنیت فراگیر

از آن‌رو که امنیت، شرط لازم برای رشد و تکامل فرد و جامعه و منشأ تحولات و دگرگونی‌های فراوانی به شمار می‌رود و زمینه را برای دیگر فعالیت‌های مفید اجتماعی هموار می‌کند، وجود آن از دیرباز تاکنون در تمام عرصه‌های زندگی اعم از بُعد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و دیگر بخش‌های حیات بشری ضروری می‌نماید.

نیاز جامعه به امنیت فراگیر به قدری ضروری است که متون روایی، آن را از فلسفه‌های رسالت یاد کرده‌اند. روزی عمرو بن

عبسه سلمی در ضمن چند پرسش از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پرسید: خداوند برای چه تو را فرستاده است؟ پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جواب وی فرمود:

بأن توصل الأرحام و تحقن الدماء و تؤمن السبل و تكسر الأوثان و يعبد الله وحده لا يشرك به شيء^{۳۳}
برای پاس داشت صله رحم و جلوگیری از خونریزی و امنیت راه‌ها و بت‌شکنی و یکتاپرستی.

از سوی دیگر، جامعه بشری برای ایجاد امنیت، ناگزیر مکانیسم‌ها و روش‌های گوناگونی به کار می‌گیرد که به منظور سامان‌بخشی نظام زندگی و اداره جامعه، بدان سخت نیازمند است. تحقق مطلوب این هدف، نیاز به الگوی جامع و تبعیت از شاخص‌های امنیتی آن دارد تا آثار و پی‌آمدهای مثبت آن، حداکثر بهره‌مندی افراد جامعه از مواهب امنیت را در پی آورد.

در اندیشه اسلامی و شیعی، بهره‌مندی کامل از مواهب امنیت، فقط در پرتو امنیت فراگیر مهدوی در عصر ظهور تحقق می‌پذیرد و این رسالتی الهی است که کسی توان انجام آن را نخواهد داشت، جز آخرین مصلح الهی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام حکومت جهانی مهدوی، آینه تمام‌نمای حکومت اسلام و تجلی‌بخش حوزه‌های مختلف امنیتی است. از این نظر، امنیت مهدوی، الگوی امنیت فراگیر و همه‌جانبه است که می‌باید در عصر انتظار، سرلوحه‌ای گرایش‌های امنیتی همه خداپرستان و منتظران ظهور حضرت قرار گیرد.

براساس آیات قرآنی، امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام تنها کسی است که امنیت را در همه ابعاد آن در گستره جهانی پدید خواهد آورد؛ امنیتی که بشر در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را تجربه نکرده است. او در جامعه امن خود، همه معیارها و ضوابط غیر انسانی را که بر مبنای ظلم و استثمار و بی‌عدالتی بنیان شده، تغییر می‌دهد و علل و عوامل دلهره، نگرانی و ناامنی در جامعه را نابود می‌کند و بیم‌آفرینان و هراس‌انگیزان را از سر راه پیشرفت مردم برمی‌دارد تا کسی سد راه دیگران نگردد.

ابعاد الگویی امنیت مهدوی

ابعاد الگویی امنیت مهدوی، در احادیث و آیات، تبیین شده است. براساس آموزه‌های قرآنی و روایی، همه عنصرهای امنیت، آن هم در حد آرمانی آن، در الگوی امنیت مهدوی تبلور می‌یابد. همه عوامل ناامنی مانند فقر، ظلم، فساد و... در امنیت مهدوی برچیده خواهد شد. بدیهی است که با زدودن عوامل ناامنی یعنی ریشه کن شدن فقر، برچیده شدن ظلم و فساد، جلوگیری از تخلف و... ناامنی خود به خود از جامه ریشه کن خواهد شد؛ زیرا با توسعه رفاه و آسایش عمومی، فقر از جامعه رخت برمی‌بندد و از سوی دیگر، با برقراری عدالت و مقابله با عوامل آسیب‌رسان به امنیت و اجرای حدود الهی در مورد

در اندیشه اسلامی و شیعی، بهره‌مندی کامل از مواهب امنیت، فقط در پرتو امنیت فراگیر مهدوی در عصر ظهور تحقق می‌پذیرد و این رسالتی الهی است که کسی توان انجام آن را نخواهد داشت، جز آخرین مصلح الهی امام مهدی عَلَيْهِ السَّلَام

قانون شکنان و متعرضان به حریم افراد، آزادی عمل از آنان سلب می‌شود و به طور طبیعی، انگیزه ایجاد ناامنی نیز از بین می‌رود و در نتیجه، زمینه‌های ناامنی و بزه‌کاری‌های اجتماعی، منتفی می‌گردد.

قرآن و الگوی امنیت مهدوی

قرآن کریم، امنیت مهدوی در عصر ظهور را زمینه‌ساز تحقق آرمان‌های فطری و تاریخی انسان، معرفی می‌نماید. از این رو، بعد از آن که وعده‌های الهی مبنی بر حتمیت پیروزی نهایی و حاکمیت مؤمنان صالح در جهان را مطرح می‌کند: ﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ﴾، مهم‌ترین نمود این پیروزی و دگرگونی در حکومت صالحان را برقراری امنیت فراگیر و همه جانبه ذکر می‌کند: ﴿وَلَيَبْدُلَنَّهُمْ مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾. آن‌گاه هدف از ایجاد امنیت فراگیر در عصر ظهور را فراهم‌سازی فضای مناسب برای عبودیت و بندگی، برمی‌شمرد و امنیت مهدوی را زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه توحیدی معرفی می‌کند: ﴿يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا﴾.^{۳۳} یعنی امنیتی که در پرتو آن مردم به عبودیت و بندگی خدا می‌پردازند تا از این ره‌گذر به کمال واقعی خود دست یابند و از هرگونه انحراف و شرکی که مایه تنزل و سقوط انسان است، اجتناب ورزند.

در این آیه، سه وعده قطعی به مؤمنان وارسته داده شده است: یکی خلافت و حکومت در زمین به نمایندگی از خدا، دوم حاکمیت کامل دین و قوانین الهی بر همه عرصه‌های زندگی و سوم امنیت فراگیر و آرامش برای همه و برطرف شدن همه عوامل ترس و ناامنی در جهان.

در آن عصر، فضا برای اطاعت و بندگی خداوند به گونه‌ای فراهم است که هیچ عذر و بهانه‌ای برای کسی نمی‌ماند. لذا در ادامه آیه فوق این هشدار آمده است:

﴿وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾؛

هرکس از آن به بعد کفر ورزد، از جمله فاسقان خواهند بود.

گویا مراد از کفر در کفر عملی یعنی عدم اطاعت و پیروی از

احکام الهی است، نه کفر اعتقادی.

امام صادق علیه السلام درباره این آیه می‌فرماید:

نزلت فی القائم و أصحابه؛^{۳۴}

این آیه درباره قائم علیه السلام و یاران او نازل شده است.

امام زین العابدین علیه السلام نیز می‌فرماید:

هم والله شيعتنا أهل البيت يفعل الله ذلك بهم على يدي رجل منا وهم مهدي هذه الأمة؛^{۳۵}

این گروه به خدا قسم، همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است.

ترتیب و پیوستگی ذکر شده در این آیه، به روشنی بیان‌گر اهمیت و نقش اساسی مقوله امنیت در شکل‌گیری حکومت عدل جهانی مهدوی در دوران ظهور است. براساس این آیه، مهم‌ترین دست‌آورد حکومت مهدوی در عصر ظهور، ایجاد امنیت همه جانبه است که بستر و زمینه‌ساز گسترش عدالت جهانی است که ثمره شیرین امنیت فراگیر در عصر ظهور است.

امنیت فراگیری که ره‌آورد حکومت امام مهدی علیه السلام است، همه شئون زندگی اعم از اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، خانوادگی و... را در بر می‌گیرد. در دولت مهدوی، توحید بر همه چیز و همه کس سایه می‌افکند و زمین و زمان به امنیت می‌رسد و بارور می‌شود.

هدف نهایی حکومت، در چنین فضای امن و سرشار از عدالت، تشکیل جامعه توحیدی به معنای واقعی کلمه است که تاکنون نظیر نداشته و همه مردم در فضای عطرآگین آن، به رشد و شکوفایی و بلوغ آرمانی خود دست می‌یابند.

جامعه توحیدی که امام مهدی علیه السلام آن را بنیان می‌نهد، با تأمین نیازهای گوناگون مادی و معنوی انسان، حداکثر زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند. مردم برای رشد و تعالی نیازمند امنیت، عدالت و فراوانی اند و این معنا در دولت مهدی در حد آرمانی تحقق می‌یابد. در آن عصر، مردم در فضای سرشار از معنویت و فضایل انسانی زندگی می‌کنند و این امکان برای آنان پدید می‌آید که مسیر تکامل روحی و بلوغ عقلی خود را به سرعت

بگذرانند. در چنین فضای عطراگینی، همه موانع هدایت برداشته می‌شود و راه عبودیت و بندگی و تقرب به خداوند متعال، برای همگان هموار می‌گردد.

امنیت مهدوی از نگاه احادیث

احادیث و روایات، ابعاد الگویی امنیت مهدوی را به خوبی ترسیم کرده‌اند که به گوشه‌هایی از آنها اشاره می‌گردد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

و الله لیتمن الله هذا الأمر حتى يسير الراكب من صنعاء الیمن إلى حضرموت لا يخاف إلا الله عز وجل؛^{۳۷}

به خدا سوگند که سرانجام امامت به حاکمیت خواهد رسید و در آن زمان کسی که از مدینه به سوی حضرموت سفر می‌کند، جز از خداوند متعال از هیچ چیز دیگری هراسی در دل راه نخواهد داد.

از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

یقاتلون حتى یوحدوا الله و لا یشرك به شیئاً و تخرج العجوزة الضعیفة من المشرق ترید المغرب لا یؤذیها أحد.^{۳۸}

می‌جنگند تا آن‌که همه مردم خدا را به یگانگی بپذیرند و چیزی را با او شریک قرار ندهند و چنان امنیتی برقرار شود که پیرزنی ناتوان از مشرق به مغرب رود و هیچ کس آزاری به او نرساند.

امام صادق علیه السلام به نقل از امیرمؤمنان علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

و لو قام قاتمتنا لأنزلت السماء قطرها و لأخرجت الأرض نباتها و لذهبت الشجائن من قلوب العباد و اصطلحت السباع و البهائم، حتى تمشی المرءة بین العراق إلى الشام، لا تضع قدمیها إلا على النبات و على رأسها زینتها و لا یهیجها سبع و لا تخافه؛^{۳۹} روزی که قائم ما قیام کند، آسمان باران رحمت ببارد و زمین گیاه خود را برویاند و کینه‌ها از دل بندگان زدوده شود و درندگان و چهارپایان با یکدیگر مسالمت‌آمیز همزیستی کنند. تا آن‌جا که زنی از عراق تا شام را ببیماید و جز بر سبزه زار گام نگذارد و زینت و آرایش خود را بر سر داشته باشد، بدون این‌که کسی به آن طمع نماید و هیچ درنده‌ای او را آشفته نسازد و او نیز از هیچ چیز نهراسد.

امام مهدی علیه السلام پدیدآورنده امنیت فراگیر است؛ امنیتی که بشر در تمام دوران تاریخ خود مانند آن را ندیده است. او در جامعه عدل بنیاد خود، همه معیارها و ضوابط غیر انسانی را کنار می‌گذارد و عوامل دلهره، نگرانی و ترس را نابود و بیم‌افکنان و هراس‌انگیزان را از سر راه جامعه برمی‌دارد. در حکومت مهدوی، نفوذها و قانون‌شکنی‌ها ناکارآمد می‌شوند و روابط اجتماعی بر پایه قانون و عدل و احترام به حقوق و ارزش انسان استوار می‌گردند.

جامعه توحیدی که امام مهدی علیه السلام آن را بنیان می‌نهد، با تأمین نیازهای گوناگون مادی و معنوی انسان، حداکثر زمینه‌های رشد و تعالی انسان‌ها را فراهم می‌کند.

هیچ حقی در آن دوران سعادت بار تزییع نمی‌شود و هر کس در هر مقام به بیش از آن چه حق دارد، دست نمی‌یابد. همه چیز به اندازه و حساب و حق است. به معنای واقعی کلمه اراده آزاد انسانی در قلمرو درست و قانونی خود حرکت می‌کند و همه انسان‌ها بدون مانع، امکان ترقی و رشد می‌یابند. در این جامعه، انسان به انسان نزدیک می‌شود، دوستی و مهرورزی جای کینه‌توزی و دشمنی را می‌گیرد و تضاد، درگیری و تراحم جایش را به رقابت سالم و آزاد و انسانی می‌دهد. آن‌گاه دارالسلام و جامعه امن و زندگی آرام، نصیب انسان می‌گردد.^{۲۰}

امام صادق علیه السلام با یکی از اصحابش درباره نقش الگویی امنیت مهدوی و دست‌آوردهای ناشی از آن در عصر ظهور به نام عمار ساباطی، گفت‌وگویی فرموده که در زیر می‌آید. عمار ساباطی می‌گوید که از امام صادق علیه السلام پرسیدم:

جعلت فداک، نیا تمنّی إذا أن نکون من أصحاب الامام القائم في ظهور الحق و نحن اليوم في أممک و طاعتک افضل أعمالاً من أعمال أصحاب دولة الحق؟^{۲۱}
عرض کردم: فدایت کردم برای چه در این زمان، ما آرزو کنیم که از یاران امام قائم علیه السلام در دوران ظهور باشیم، حال آن‌که کارهای ما در این روزگار که در سایه امامت شما به سر می‌بریم و از شما پیروی می‌کنیم، افضل از اعمال یاران دولت حق است؟

امام صادق علیه السلام با تعجب از سخن عمار ساباطی، اظهارات وی را این‌گونه پاسخ می‌دهد:

فقال: سبحان الله، أما تحبون أن يظهر الله - عزّ وجلّ - الحقّ و العدل في البلاد و يحسن حال عامّة العباد و يجمع الله الكلمة و يؤلف بين قلوب مختلفة و لا يعصي الله - عزّ وجلّ - في أرضه، و يقام حدود الله في خلقه ويردّ الله الحقّ إلى أهله، فيظهوره حتى لا يستخفي بشيء من الحقّ مخافة أحد من الخلق؟^{۲۲}
سبحان الله! (کنایه از این‌که چرا چنین فکر می‌کنی و این‌گونه آرزو داری) آیا دوست نداری که خدای بزرگ حق و عدالت را در آبادی‌ها آشکار سازد و حال عموم مردم را بهبودی بخشد و وحدت کلمه پدید آورد و افکار ناسازگار را سازگار کند و خدا در زمین معصیت نشود

و حدود الهی میان مردم اجرا شود و خداوند حق را به اهلش باز گرداند و ایشان آن را آشکار کنند تا هیچ چیزی از حق، به علت ترس از کسی مخفی نماند؟

این حدیث، مقوله امنیت را با اهمیت‌ترین مؤلفه ساختار اجتماعی برمی‌شمرد. براساس این حدیث، امنیت واقعی هنگامی بر اجتماعی پرتو می‌افکند که ذره‌ای از حق و حقوق پنهان نماند. تاکنون امنیت فراگیر مطرح در عصر ظهور، در هیچ مقطعی از تاریخ تحقق نیافته و به ویژه تحقق آن در زمان غیبت آسان نخواهد بود، اما توفیق دست‌یابی و تلاش برای تحقق نسبی این هدف، وظیفه و نیازی است که جامعه بشری در هر زمان بسیار بدان نیاز دارد.

بهره‌مندی از مواهب امنیت در عصر ظهور، همگانی است و به تنها مسلمانان و یا شیعیان اختصاص ندارد، بلکه همه ساکنان زمین از نعمت کامل امنیت بهره‌مند خواهند شد.

حضرت ولی عصر علیه السلام در حکومت عدالت‌محور و امنیت‌گستر مهدوی، فاتح شهرهای شرک می‌شود و حتی احادیث، هنگام قیام ایشان را به گونه‌ای ترسیم کرده‌اند که همواره شمشیر بر دوش دارند، اما حاکمیت و سیطره امام مهدی علیه السلام در جهان، نظامی و متکی بر اجبار و سرکوب نیست تا امنیت قهری و در سایه شمشیر برقرار شود، بلکه قیام مصلحانه حضرت، نهضتی ایمانی، اسلامی و انسانی برای رهاندن همه بشر از زنجیرهای نفسانی و موانع و بندهای بی‌شماری است که طاغوتیان بر دست و پای انسان فعلی زده‌اند و تکامل و کمال او را ایستا کرده‌اند و یا به پسرفت و قهقرا کشانده‌اند. حرکت امیدبخش و زنده‌کننده حضرت که با پرچم ایمان و عدالت صورت می‌پذیرد، در نهایت مشروعیت و رضایت عمومی صورت می‌گیرد و با پذیرش همگانی همه ساکنان زمین و آسمان و حتی حیوانات و جنبندگان عالم هستی تحقق می‌یابد و همه با خشنودی به آن تن می‌دهند. در این میان، فرقی میان دیانت‌ها، نژادها، قومیت‌ها و هویت‌های گوناگون مردم گیتی نیست؛ چراکه نهضت مهدوی، حرکتی جهان‌گستر و عالم‌شمول برای نجات و رستگاری همه بشر است.^{۲۳}

امام باقر علیه السلام درباره شمول دامنه عدالت آن حضرت می‌فرماید:

فإنّه (القائم) يقسم بالسوية و يعدل في خلق الرحمن البرّ منهم و المفاجر؛^{۲۳}
او اموال را میان همه مردم اعم از نیکوکار و بدکار، مساوی تقسیم می‌کند و به
عدالت رفتار می‌نماید.

رفاه اقتصادی و آسایش معیشتی در حکومت عدل گستر مهدی علیه السلام بر تمام بخش‌ها
و زوایای زندگی بشر پرتو می‌افکند و انسان‌ها آسوده خاطر از مشکلات روزمره تأمین
معاش، به سازندگی معنوی خود می‌توانند بپردازند. بدیهی است که امنیت و آسایش در
سایه حکومت عدل مهدوی، خود زمینه‌های جذب بیشتر دل‌های مردم و افزایش مقبولیت
عمومی از حکومت ایشان را به همراه خواهد داشت.
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در توصیف محبوبیت و مقبولیت اجماعی مثال زدنی حکومت
حضرت مهدی علیه السلام می‌فرماید:

المهدی... يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً يرضي بخلافته أهل السموات و أهل
الأرض و الطير في الجوّ؛^{۲۴}

زمین را همان‌گونه که از ستم پر شده بود، از عدل سرشار می‌کند. به گونه‌ای که
اهل آسمان و زمین و حتی پرندگان هوا، به خلافت او رضایت می‌دهند.

این محبوبیت و مقبولیت از آن روی است که مردم جهان، دولت مهدی علیه السلام را نماد
تحقق آرزوهای خود می‌دانند و لذا با میل و رغبت به سوی او روی می‌آورند. در روایت
دیگری آمده است:

تأوی إلى المهدي أمته كما تأوی النحلة إلى يعسوبها؛^{۲۵}
شور و علاقه و دل‌بستگی مردم به {رهبری حکومت جهانی} امام مهدی علیه السلام
به گونه‌ای است که مردم همانند زنبور عسل نسبت به ملکه آن، به او علاقه‌مندند
و به او پناه می‌آورند.

از این رو، محبوبیت مردمی و پذیرش عمومی، از ویژگی‌های حکومت مهدوی است
که در هیچ دولتی، مشابه آن دیده نمی‌شود.
از این نظر، امنیت مهدوی، جامع‌ترین، کارآمدترین و پربارترین الگوی امنیتی است
که فراروی جامعه بشری قرار دارد؛ الگویی که سزاوار است جوامع انسانی به ویژه جامعه
شیعی، در این دوران، بدان توجه فراوان کنند و زیر ساخت‌های آن را بازشناسند تا با
تبعیت از الگوی مهدوی، اندکی طعم شیرین امنیت را در ذائقه مردمان تشنه امنیت
بچشاند.

رفاه اقتصادی و
آسایش معیشتی در
حکومت عدل گستر
مهدی علیه السلام بر تمام
بخش‌ها و زوایای
زندگی بشر پرتو
می‌افکند و انسان‌ها
آسوده خاطر از
مشکلات روزمره تأمین
معاش، به سازندگی
معنوی خود می‌توانند
بپردازند.

نتیجه

جامعه امن مهدوی، براساس آموزه‌های قرآنی و اسلامی، مبتنی بر نظام جامعی است که حاکمیت الله و اصل توحید، عنصر محوری آن به شمار می‌رود. در پرتو حکومت توحیدی مهدوی، بشر به همه ایده‌آل‌های آرمانی خود در عرصه‌های مختلف دست می‌یابد و جامعه بشری که از روزگاران دور تا به حال، امنیت مطلق برای او افسانه و خیالی بیش نبوده، به امنیت مطلق و همه جانبه دست می‌یابد.

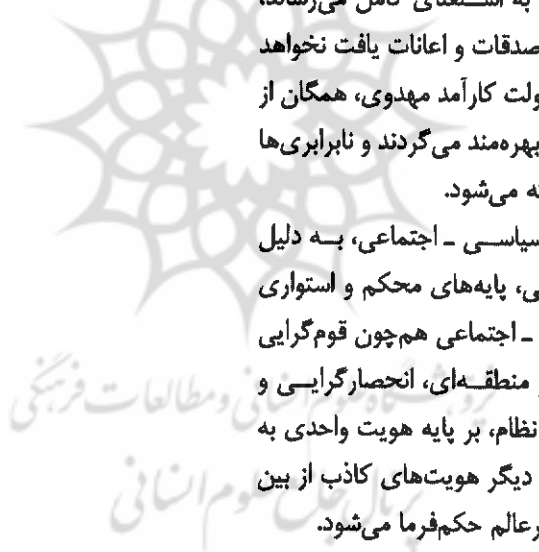
دولت جهانی مهدوی، در عرصه اقتصاد و معیشت که مهم‌ترین مشکلات دوران قبل از ظهور به آن برمی‌گردد، رفاه و رشد پایدار اقتصادی و استغنای عمومی را پدید می‌آورد و شکاف‌های اقتصادی، تبعیض‌های ناروا و فقر و فاقه حاصل از آن را نه تنها رفع می‌کند، بلکه جامعه بشری را به استغنای کامل می‌رساند، چنان که حتی فقیری برای دریافت صدقات و اعانات یافت نخواهد شد. با رفع کمبود منابع در سایه دولت کارآمد مهدوی، همگان از امکانات رفاهی و معیشتی ایده‌آل بهره‌مند می‌گردند و نابرابری‌ها و اختلافات طبقاتی، از میان برداشته می‌شود.

حکومت مهدوی در حوزه سیاسی - اجتماعی، به دلیل مشروعیت الهی و مقبولیت عمومی، پایه‌های محکم و استواری دارد. آن هنگام مشکلات سیاسی - اجتماعی هم‌چون قوم‌گرایی ناسیونالیستی، تعصب نژادی و منطقه‌ای، انحصارگرایی و سلطه‌طلبی، برچیده می‌شود. این نظام، بر پایه هویت واحدی به نام اسلام شکل می‌گیرد و آن‌گاه دیگر هویت‌های کاذب از بین می‌رود و وحدت و اخوت، در سراسر عالم حکم‌فرما می‌شود.

با حاکمیت نظام توحیدی مهدوی در حوزه حقوق و قضا، مطالبات حقوقی مردم، برپایه قوانین الهی و اسلامی تنظیم و عدالت در همه بخش‌های حقوقی در روابط فردی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، حاکم می‌گردد. حقوق مردم در قالب قوانین شرع تعریف می‌شود و با قاطعیت اعمال و اجرا می‌گردد و دست هر متجاوز و منفعت‌طلبی از دست‌برد حقوق دیگران کوتاه می‌شود. مردمان جامعه عصر ظهور، در پرتو عدالت فراگیر دولت مهدوی که سراسر زندگی آنان را فراگرفته است، با امنیت آرامش، لذت و شیرینی عدالت را می‌چشند.

از نظر علم و فرهنگ، دانش بشری در عصر حکومت جهانی مهدوی به دست‌آوردهایی فوق تصور دست می‌یابد. آن هنگام شکوفایی علوم و فنون و کمال عقلانیت بشری به اوج ترقی و تکامل خود می‌رسد و مهم‌تر از همه این که مردم روزگار ظهور، بر اساس فرهنگ و آداب و مقررات دینی تربیت می‌شوند و احکام شریعت را می‌آموزند و به پایه‌ای از معرفت و بینش و فرهیختگی می‌رسند که حتی زنان خانه‌دار بر اساس آیات قرآن و سیره پیامبر ﷺ می‌توانند قضاوت کنند.

سرانجام آن که اخلاق و معنویت بسا حاکمیت فرهنگ معنوی اسلام و قرآن، بر تمامی شئون زندگی فردی و اجتماعی جامعه عصر ظهور حاکم می‌شود تا فطرت خداجو و کمال‌طلب انسان‌ها، به رشد و شکوفایی برسد و با معرفت و اخلاص، به توفیق بزرگ عبودیت و بندگی پروردگار متعال ره یابد.



پی نوشتها

۱. راغب اصفهانی، مفردات، ص ۹۰، ماده «امن»، چاپ اول: انتشارات الدار السامیه، بیروت ۱۴۱۲ قمری.
۲. همان.
۳. الزبیدی، تاج العروس، ج ۱۸، ص ۲۳، ماده «امن»، انتشارات دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ قمری.
۴. نک: محمدفؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، ماده «أ م ن»، چاپ دوم: قاهره ۱۴۰۸ قمری.
۵. سوره قریش، آیات ۳ و ۴.
۶. سوره عنکبوت، آیه ۶۷.
۷. سوره تین، آیه ۳.
۸. سوره نحل، آیه ۱۱۲.
۹. سوره حجر، آیه ۴۶.
۱۰. سوره انعام، آیه ۱۲۷.
۱۱. شیخ طوسی، مصباح المتعجد، ص ۱۰۲، چاپ اول: انتشارات موسسه فقه الشیعه، بیروت ۱۴۱۱ قمری؛ جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۵.
۱۲. سوره انعام، آیه ۸۱.
۱۳. ابن مشهدی، المزار، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، ص ۱۷۴، چاپ اول: انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۹ قمری؛ علامه مجلسی، بحار الانوار، تحقیق یحیی العابدی، ج ۸۱، ص ۱۰۹، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۳ قمری.
۱۴. القاضی نعمان بن محمد التیمی المغربي، شرح الاخبار، ج ۲، ص ۵۰۲، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۱۴ قمری؛ علی بن محمد بن علی الخراز القمی الرازی، کفایة الاثر، تحقیق سید عبداللطیف الحسنی الکوه کمری الخوئی، ص ۳۰، انتشارات بیدار، قم ۱۴۰۱ قمری؛ ابی عبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب، مناقب ال ابيطالب، ج ۱، ص ۲۴۵، انتشارات المكتبة الحیدریة، النجف الاشرف ۱۳۷۶ قمری.
۱۵. شیخ الصدوق، کمال الدین، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۴۸۵، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۵ قمری؛ طبرسی، الاحتجاج، تحقیق سید محمدباقر خراسانی، ج ۲، ص ۲۸۴، انتشارات دارالانعمان للطباعة والنشر، النجف الاشرف، ۱۳۸۶ قمری؛ قطب الدین الراوندی، الخرائج والجرائع، ج ۳، ص ۱۱۱۵، چاپ اول: تحقیق و نشر مؤسسه امام المهدي علیه السلام، قم ۱۴۰۹ قمری؛ کشف القمّة، ج ۳، ص ۳۴.

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

۱۶. محمد محمدی ری شهری، *میزان الحکمه*، ج ۴، ص ۳۳۹۴، چاپ اول: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۱۶ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۷۵، ص ۲۳۴.
۱۷. علی بن ابی بکر الهیثمی، *مجمع الزوائد*، ج ۱۰، ص ۲۸۹، انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۸ قمری؛ سلیمان بن احمد الطبرانی، *المعجم الاوسط*، ج ۱، ص ۱۹۸، انتشارات دارالحرمین للطباعة و النشر، ۱۴۱۵ قمری.
۱۸. محمد بن الحسن بن علی بن احمد بن الفتال النیشابوری، *روضه الواقفین*، تحقیق السید محمد مهدی الخراسانی، ص ۴۷۲ منشورات الشریف الرضی، قم.
۱۹. شیخ هادی نجفی، *موسوعة احادیث اهل البيت*، ج ۱، ص ۴۵۴، چاپ اول: انتشارات دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۲۳ قمری؛ ابی الحسن علی بن محمد اللیثی الواسطی، *عیون الحکم والمواقف*، تحقیق شیخ حسین الحسنی البیرجندی، ص ۲۷۵، چاپ اول: انتشارات دارالحدیث، قم ۱۳۷۶ شمسی.
۲۰. همان.
۲۱. فصل نامه *انتظار*، ش ۱۳، ص ۱۳۹.
۲۲. نک: *عصر زندگی*، ص ۱۹۵-۲۰۲، (با اندک تصرفی).
۲۳. *بحار الانوار*، ج ۳۴، ص ۲۴۱، *نهج البلاغه*، شرح و تحقیق الاستاذ محمد عبده المصری، ج ۱، ص ۲۰۹، چاپ اول: انتشارات دارالذخائر، قم ۱۴۱۲ قمری.
۲۴. میرزا حسین النوری الطبرسی، *مستدرک الوسائل*، ج ۱۲، ص ۳۳۰، چاپ اول: تحقیق و نشر مؤسسه آل البيت: لایه التراث، بیروت ۱۴۰۸ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۷۴، ص ۹۸.
۲۵. *نهج البلاغه*، ج ۱، ص ۲۰۹.
۲۶. شیخ علی الحائری الیزدی، *الزام الناصب*، تحقیق سید علی عاشور، ج ۲، ص ۱۲۱، [بی جا]، [بی تا]؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۶۴.
۲۷. شیخ کلینی، *اصول کافی*، تحقیق علی اکبر غفاری، ج ۸، ص ۴۲، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۶۴ شمسی؛ محمد بن الحسن الحر العاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۶، ص ۲۷۹، انتشارات مؤسسه آل البيت: لایه التراث، قم ۱۴۱۴ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۲۶۰.
۲۸. السید حسین البروجردی، *جامع احادیث الشیعه*، ج ۱۳، ص ۳۷۷، انتشارات المطبعة العمیه، قم؛ *مستدرک الوسائل*، ج ۱۱، ص ۳۸۰.
۲۹. *عصر زندگی*، ص ۲۴۳.
۳۰. *اصول کافی*، ج ۸، ص ۱۶۵، الشیخ عبد علی بن جمعة العروسی الحویزی، *تفسیر نورالقلین*، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۴، ص ۳۲۸، چاپ چهارم: انتشارات مؤسسه اسماعیلیان، قم ۱۴۱۲ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۳۲، ص ۴۴.
۳۱. محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، *الغیبه*، تحقیق فارس حسون کریم، ص ۲۴۰، چاپ اول: انتشارات انوار الهدی، قم ۱۴۲۲ قمری؛ الشیخ علی الکوثرانی، *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۳، ص ۲۵۴، چاپ اول: انتشارات مؤسسه المعارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱ قمری.
۳۲. شیخ صدوق، *الخصال*، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۶۲۶ انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، قم ۱۴۰۳ قمری؛ ابومحمد الحسن بن علی بن الحسن بن شعبة الحرانی، *تحف العقول*، تصحیح و تملیق علی اکبر غفاری، ص ۱۱۵، چاپ دوم: انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۴ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۳۱۶.
۳۳. احمد بن حنبل، *مسند*، ج ۴، ص ۱۱۱، انتشارات دار صادر، بیروت؛ الصالحی الشامی، *سبل الهدی والرشاد*، ج ۱، ص ۱۲۲، چاپ اول: انتشارات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۴ قمری.
۳۴. سوره نور، آیه ۵۵.
۳۵. *معجم احادیث الامام المهدی*، ج ۵، ص ۳۲.
۳۶. طبرسی، *مجمع البیان*، تحقیق لجنة من علماء و المحققین الاخصائین، ج ۷، ص ۲۶۷، چاپ اول: انتشارات مؤسسه الاعلمی، بیروت ۱۴۱۵ قمری؛ علامه طباطبائی، *المیزان*، ج ۱۵، ص ۱۵۸، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، [بی تا].
۳۷. ابن ابی الجهمور الاحسانی، *غوالي الثانی*، تحقیق سید شهاب الدین مرعشی نجفی، ج ۱، ص ۹۹، چاپ اول: انتشارات سید الشهداء، قم ۱۴۰۳ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۱۸، ص ۲۱۰.
۳۸. *الخصال*، ص ۶۲۶ *میزان الحکمه*، ج ۱، ص ۱۸۷؛ سید محمد تقی موسوی اصفهانی، *مکیال المکارم*، ج ۱، ص ۹۵، چاپ اول: انتشارات مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت ۱۳۲۱ قمری.
۳۹. *بحار الانوار*، ج ۱۰، ص ۱۰۴.
۴۰. *عصر زندگی*، ص ۱۹۹.
۴۱. *کمال الدین*، ص ۶۴۷؛ شیخ مفید، *الاختصاص*، تحقیق علی اکبر غفاری، ص ۲۱، چاپ دوم: انتشارات دارالمفید للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت ۱۴۱۴ قمری؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۲۸.
۴۲. *کمال الدین*، ص ۶۴۲؛ *بحار الانوار*، ج ۵۲، ص ۱۲۸.
۴۳. فصل نامه *انتظار*، ش ۱۳، ص ۱۴۹.
۴۴. شیخ صدوق، *علل الشرائع*، ج ۱، ص ۱۶۱، انتشارات مکتبه الحیدریه و مطبعتها، النجف الاشرف ۱۳۸۵ قمری؛ *وسائل الشیعه*، ج ۹، ص ۲۸۲.
۴۵. *دلائل الامامة*، ص ۴۴۲؛ ابی جعفر محمد بن جریر رستم طبری، *نوادیر المعجزات*، ص ۱۹۷، چاپ اول: انتشارات مؤسسه الامام المهدی، قم ۱۴۱۰ قمری؛ ابن بطریق، *العصده*، ص ۳۴۹، انتشارات مؤسسه النشر الاسلامی، قم ۱۴۰۷ قمری؛ السید علی بن موسی بن طاووس، *الطرائف*، ص ۱۷۹، چاپ اول: انتشارات خیام، قم ۱۳۹۹ قمری.
۴۶. قاضی سید نورالله المرعشی التستری، *شرح احقاق الحق*، شرح و تملیق سید شهاب الدین المرعشی النجفی، ص ۱۵۹، انتشارات مکتبه آیه الله المرعشی، قم.